

فصلنامه علمی تخصصی فقه و حقوق معاصر

سال هشتم - شماره ۲۶ - زمستان ۱۴۰۲ - ص ۱۸۵-۲۱۱

نقش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در برقراری صلح پایدار

دلنیا حیدری^۱

چکیده

امروزه، اندیشمندان و نظریه پردازان روابط بین الملل، جملگی بر این نظرند که برخورداری هر نظام و حاکمیتی از آمادگی نظامی که در سایه وجود یک سازمان نظامی توانمند حاصل می آید، از عناصر کلیدی «قدرت ملی» آن کشور و نظام است. از این رو، بیشتر دولتها، وجود نیروهای مسلح را پیش نیازی برای بقای ملی خود قلمداد می کنند و شواهد نیز حاکی از آن است که هنوز هیچ جایگزینی برای رفع نگرانیهای ناشی از چگونگی مدیریت حکومت بدون وجود نیروهای نظامی یافت نشده است. ظرفیتهای قانون اساسی و اصول مندرج در آن چگونه با اصول اساسی حقوق بین الملل از جمله حق حاکمیت برابر، حق تعیین سرنوشت و اصل منع مداخله در امور داخلی سایر کشورها تطابق می یابد. قانون اساسی جمهوری اسلامی که خود ثمره مبارزات حاصل از یک انقلاب بنیادین، با داعیه تمدن سازی دین مدارانه است، مسیر مشروعیت بخشی به مشارکت در مبارزه با تروریسم تکفیری، دفاع از مسلمانان را از مجرای آموزه های دینی، تأمین منافع ملی و دفاع مشروع هموار ساخته است. مبانی مشخص نیروهای مسلح پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی کشور، پاسداری از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران، ممنوعیت عضویت بیگانگان در ارتش و نیروی انتظامی، ممنوعیت استقرار پایگاه نظامی خارجی، استفاده از امکانات نیروهای مسلح در زمان صلح، منع بهره برداری شخصی از امکانات آنها هستند.

کلید واژه ها: نیروهای مسلح، تمامیت ارضی، صلح پایدار.

^۱ کارشناس ارشد حقوق بین الملل

مقدمه

مسئله حضور نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به‌عنوان کنش‌گری فعال در مخاصمات مسلحانه منطقه غرب آسیا به‌ویژه عراق و سوریه در مبارزه با تروریسم تکفیری محل مناقشه بسیاری چه در محافل سیاسی و حقوقی بین‌المللی و چه در میان افکار عمومی داخلی بوده است. این امر به‌طور خاص هنگامی اهمیت بیشتری می‌یابد که جمهوری اسلامی نقش تعیین‌کننده‌تری نسبت به کشورهای درگیر داشته و به بیانی، بازیگر اصلی تحولات چند سال اخیر نام گرفته است. نظر به ممنوعیت توسل به زور در مناسبات بین‌المللی که هدف اصلی شکل‌گیری نظام حقوقی معاهدات و سازمان‌های بین‌المللی و زمینه‌ساز تأسیس سازمان ملل متحد است، منحصر به دفاع مشروع از سرزمین تعیین‌شده، چگونه می‌توان ایفای نقش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در مخاصمات مسلحانه خارج از مرزهای سرزمینی را براساس مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی توجیه کرد. ظرفیت‌های قانون اساسی و اصول مندرج در آن چگونه با اصول اساسی حقوق بین‌الملل از جمله حق حاکمیت برابر، حق تعیین سرنوشت و اصل منع مداخله در امور داخلی سایر کشورها تطابق می‌یابد. قانون اساسی جمهوری اسلامی که خود ثمره مبارزات حاصل از یک انقلاب بنیادین، با داعیه تمدن‌سازی دین‌مدارانه است، مسیر مشروعیت‌بخشی به مشارکت در مبارزه با تروریسم تکفیری، دفاع از مسلمان و مظلوم را از مجرای آموزه‌های دینی، تأمین منافع ملی و دفاع مشروع هموار ساخته است.

۱- جایگاه نیروهای مسلح در نظام جمهوری اسلامی

هر حکومت و دولتی برای حفظ استقلال، امنیت و تمامیت ارضی خود نیاز به نیروی مسلح قوی، مقتدر و سازمان‌یافته دارد. جمهوری اسلامی ایران نیز پس از استقرار، برای تداوم خود و دفع تهدیدات داخلی و خارجی، نیروهای مسلحی را فراهم نموده است که از جمله آنها، ستاد فرماندهی کل قوا، ارتش جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی انتظامی و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح می‌باشند. مطالب مربوط به نیروهای مسلح در قانون اساسی، قوانین عادی و آئین‌نامه انضباطی، به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول مطالب اختصاصی هر یک از آنها و دسته دوم، اصول، مبانی و کلیات است که شامل همه آنها می‌شود. از جمله این اصول، ویژگی‌های کلی و اساسی آنها، مسئولیت و وظایف فردی، اصول شرافت‌سربازی، اصول فرماندهی و سلسله‌مراتب، وظایف عمومی فرماندهان، رؤسا و مدیران و وظایف پرسنل و فرمانده در رزم است. (جالینوسی، ۱۳۹۵، ۶۵)

جوامع انسانی برای حفظ حکومت، استقلال و تمامیت ارضی و تأمین امنیت خود ناگزیر از فراهم نمودن نیروی نظامی هستند. استقلال و امنیت هر کشور و دولت اعم از داخلی و خارجی نیز در پرتو قدرت و توان نظامی تأمین می‌گردد. مقابله با مهاجمان خارجی یا کسانی که در داخل کشور با نقض قوانین، امنیت اجتماعی را مختل می‌کنند، جز با توان نظامی حل نمی‌شود. از این رو کشورهای مختلف بدین منظور

تشکیل و سازماندهی نیروهای مسلح خود را در راستای دفع خطرهای خارجی و داخلی طراحی می کنند و با تشکیل سازمانها و نهادهای نظامی خاص ، افراد کارآمد و توانا را به استخدام در می آورند. در نظام جمهوری اسلامی ایران ، موضوع نیروهای مسلح از نظر اعتقادی نیز مورد توجه قرار گرفته است ؛ زیرا مبنای حکومت ایران ، اعتقادات اسلامی است و یکی از تفاوتهای اساسی حکومت اسلامی با سایر نظامهای سیاسی ، امور نظامی آن است . دیدگاه اسلام نسبت به دفاع و جهاد، زیربنای ساختار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است . بر اساس عقاید اسلام ، امور نظامی منحصر به ارگان و یا افراد خاصی نیست ، بلکه عموم مردم وظیفه دارند برای حفظ و حراست از اسلام و مرزهای حکومت اسلامی بکوشند. در حالی که در غالب کشورها این امر به عنوان شغل برای گروهی از مردم یا با دیدی آرمانی تر، به عنوان یک امر ملی و با انگیزه میهن پرستی و وطن دوستی تلقی می شود، در اسلام از منظری بالاتر و والاتر به عنوان یک وظیفه الهی محسوب می گردد. (خدوری، ۱۳۹۱، ۸۸)

قرآن مجید، ارزش والای ((جهاد)) در راه خدا را در آیات فراوانی بیان نموده است که به یک مورد آن اشاره می شود:

وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا. (نساء: ۹۵)

و خداوند، مجاهدان را بر نشستگان ، با پاداش عظیمی برتری بخشیده است.

۱-۱-۱- نیروهای مسلح در قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای نیروهای مسلح ، مبانی مشخصی را طرح ریزی کرده است که به مهم ترین آنها به اجمال اشاره می شود.

۱-۱-۱- پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی کشور

به استقلال کشور باید به عنوان یک ضرورت اجتناب ناپذیر توجه نمود. حفظ و حراست از حدود و ثغور مرزها، ضامن استقلال کشور است . استقلال یکی از اهداف متعالی جمهوری اسلامی است ۱۵۸ و دولت موظف است همه امکانات خود را برای تقویت بنیه دفاع ملی و برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور... به کار برد. ۱۵۹ در مقابل ، هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به استقلال و تمامیت ارضی کشور خدشه ای وارد کند. ۱۶۰ بنابراین ، استقلال اصل مقدسی به شمار می رود که برای حفظ آن ، بی هیچ مضایقه ای باید عمل کرد. قانون اساسی ، پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی کشور را بر عهده ارتش قرار داده تا بر اساس ضوابط مقرر انجام وظیفه نمایند. (اصل ۱۴۳)

۱-۱-۲. پاسداری از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران از مشارکت و مبارزه ایثارگرانه و همه جانبه مردم شکل گرفت و حرکت کرد و به ثمر نشست. یکی از زمینه های مشارکت مردم، همکاری و همیاری گروهها و اقشار مستعد و مؤمن به انقلاب بود که با تواناییها و امکانات محدود، قبل از پیروزی انقلاب، خود را برای جهادی که ممکن بود در پیش باشد، آماده کردند. بسیاری از آنها در مبارزات مسلحانه جریان انقلاب به شهادت رسیدند و بسیاری دیگر در پیروزی انقلاب و استقرار نظام، بیشترین مساعدتها را نمودند و بعد از پیروزی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تشکیل دادند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ((نگهبانی از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن را به عهده این نهاد مردمی و انقلابی گذاشته است.)) (اصل ۵۰) مهم ترین دستاورد انقلاب اسلامی، نظام مقدس جمهوری اسلامی است. بنابراین دفاع از این نظام نیز بر عهده سپاه پاسداران می باشد. دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن به طور مسلم محدود به دفاع از مرزها و دشمنان خارجی نیست؛ بلکه دفاع از انقلاب هم در مرزها و در داخل و شامل تمام ابعاد نظامی، امنیتی، سیاسی، فرهنگی و... است. (شریعتمدار جزائری، ۱۳۹۵، ۷۶)

۱-۲-۲. تعریف نیروهای مسلح و ساختار آن

نیروهای مسلح ((به ستاد فرماندهی کل قوا، ارتش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی و وزارت دفاع و سازمانهای وابسته، اطلاق می شود.)) (آئین نامه انضباطی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، ص ۳)

۱-۲-۱-۱. ستاد فرماندهی کل قوا

ستاد فرماندهی کل قوا ((به مجموعه سازمان ستاد فرماندهی کل قوا و سازمانها و دفاتر پیوسته و وابسته و قسمتهایی که بنابر امر فرماندهی معظم کل قوا، پشتیبانی آنها به ستاد فرماندهی کل قوا، محول شده است، اطلاق می گردد)) همان، ماده ۹ قسمت الف) ستاد فرماندهی کل قوا، ستاد فرماندهی معظم کل قوا در نیروهای مسلح بوده و معظم له را در اداره امور نیروهای مسلح، یاری می نماید.)) (همان ماده ۲۱)

ستاد فرماندهی کل قوا در طول ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، ستاد کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ستاد نیروی انتظامی و در رده بالاتر از آنهاست و بر حسب مأموریت و فرامین و تدابیر ابلاغی مقام معظم فرماندهی کل قوا انجام وظیفه می کند. (همان ماده ۱۷)

فرماندهی کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با مقام معظم رهبری است. فرماندهان، رؤسا و مدیران در تمام سلسله مراتب در حدود اختیارات مصوب سازمانی از طرف معظم له، فرماندهی، ریاست و یا مدیریت خواهند داشت؛ (همان ماده ۱۵) اما چنانچه مقام معظم فرماندهی کل قوا، تمام یا قسمتی از اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض فرمایند، دستورات آن شخص در حدود اختیارات تفویض شده لازم الاجراء خواهد بود. (همان ماده ۱۶)

دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی کل قوا، دفتر عمومی حفاظت اطلاعات فرماندهی کل قوا، سازمان عقیدتی سیاسی و حفاظت اطلاعات ارتش، نمایندگی ولی فقیه و حفاظت اطلاعات در سپاه، عقیدتی سیاسی و حفاظت اطلاعات در نیروی انتظامی و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح به عنوان بخشی از ستاد فرماندهی کل قوا، ارتش جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی انتظامی و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح هستند که با سلسله مراتب مستقل و متمرکز مستقیماً تحت امر مقام معظم رهبری و در کنار نیروهای مسلح انجام وظیفه می نمایند. (همان، ماده ۱۹، قسمت هـ (تبصره))

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران از بالاترین مقام تا پایین ترین رده به وسیله فرماندهان، رؤسا یا مدیران که از طرف مقام معظم فرماندهی کل قوا، فرماندهی یا ریاست یا مدیریت دارند مانند حلقه های زنجیر به هم پیوسته بوده که در اصطلاح آن را سلسله مراتب گویند. (همان ماده ۲۰)

۱-۲-۲- ارتش جمهوری اسلامی ایران

ارتش جمهوری اسلامی ایران ((به مجموعه ستاد مشترک، نیروی زمینی، نیروی هوایی، نیروی دریایی و سازمانهای وابسته به آنها اطلاق می گردد.)) (همان، ماده ۱۹، قسمت ب).

۱-۲-۳- ویژگیهای ارتش جمهوری اسلامی ایران

بنابر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

ارتش جمهوری اسلامی ایران باید ارتشی اسلامی باشد که ارتشی مکتبی و مردمی است و باید افرادی شایسته را به خدمت بپذیرد که به اهداف انقلاب اسلامی، مؤمن و در راه تحقق آن فداکار باشند.

۱-۲-۴- ماموریت و وظایف ارتش جمهوری اسلامی ایران

بنابر ماده هفت قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران ، مصوب ۷ / ۷ / ۱۳۶۶ ، مجلس شورای اسلامی و اصلاحات بعدی آن ، وظایف و مأموریت‌های آن عبارت‌اند از:

۱- آمادگی و مقابله در برابر هر گونه تجاوز نظامی علیه استقلال ، تمامیت ارضی ، نظام جمهوری اسلامی ایران و منافع کشور؛

۲- همکاری با نیروی انتظامی و سپاه پاسداران در مقابله با اشرار، یاغیان ، قاچاقچیان ، تجزیه طلبان و جریانات براندازی در مواقع ضروری بنا به دستور؛

۳- آمادگی برای همکاری با سپاه پاسداران در کمک به ملل مسلمان و مستضعف غیر معارض با اسلام در دفاع از خود در برابر تهدید و تجاوز نظامی بنا به درخواست آنان و بنا به دستور؛

۴- در اختیار قرار دادن افرادی که در استخدام ارتش هستند و تجهیزات فنی خود بنا به درخواست دولت در اجرای اصل ۱۴۷ قانون اساسی و با رعایت کامل موازین عدل اسلامی در حدی که به آمادگی رزمی ارتش آسیبی وارد نشود؛

۵- سازماندهی ، آموزش ، تجهیز و گسترش نیروهای زمینی ، هوایی و دریایی متناسب با امکانات و تهدیدات ، برای انجام مأموریت‌های محوله ؛

۶- تلاش پیوسته برای حاکمیت کامل فرهنگ و ضوابط اسلامی در سازمانهای وابسته به آنها؛

۷- آماده ساختن مردم برای دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی در چارچوب قانون خدمت وظیفه عمومی ؛

۸- کمک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آموزش و سازماندهی بنا به دستور؛

۹- اقدامات لازم در جهت نیل به خودکفایی در کلیه زمینه‌ها از قبیل صنعتی ، آموزشی ، تدارکاتی ، اطلاعاتی ، روشها و سازماندهی ؛

۱۰- اقدام لازم برای کسب اطلاع از اوضاع ، رویدادها و تحولات سیاسی ، نظامی آشکار و نهان منطقه و جهان و ارزیابی مستمر تهدیدات و توان رزمی دشمنان بالفعل و بالقوه ؛

۱۱- تلاش مداوم و مستمر در جهت حفظ و صیانت ارتش و سازمانهای وابسته به آنها در زمینه های امنیتی ؛

۱۲- ایجاد تسهیلات لازم برای همکاری سپاه پاسداران با ارتش در مواقع ضروری که شورای عالی امنیت ملی ، تعیین می نماید. (قانون اساسی ، اصل ۱۴۴)

۳-۱- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ هـ ش ، عده ای از نیروهای انقلابی برای دفاع مسلحانه از انقلاب اسلامی و تداوم آن به صورت خود جوش و مردمی جمع شدند و به مقابله با ضد انقلاب و پس مانده های رژیم شاه برخاستند. در همین زمان چند نفر از این افراد در قم به ملاقات حضرت امام خمینی (ره) رفتند. امام خمینی (ره) در این دیدار دستور تشکیل یک نیروی مسلح مکتبی مستقل از دولت موقت را صادر کردند. این دستور عملاً فرمان تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. در پی این فرمان ، گروهی از بنیانگذاران سپاه ، اساسنامه ای را در نه ماده و نه تبصره تهیه کرده ، به تصویب شورای انقلاب رساندند و سپس احکام شورای فرماندهی سپاه از سوی شورای انقلاب صادر شد و در دوم اردیبهشت ۱۳۵۸ هـ ش ، این نهاد انقلابی و مردمی با انتشار بیانیه ای به طور رسمی اعلام موجودیت کرد. (=شریعتمدار جزائی، ۱۳۹۲ ، ۵۵)

سپاه پاسداران به عنوان یک نهاد انقلابی خودجوش ، آن چنان موجودیتی پیدا کرده بود که هیچ کس نمی توانست آن را نادیده بگیرد. علاوه بر این ، جذب این نیروی انقلابی در سازمان و تشکیلات در هم ریخته و در حال بازسازی ارتش نیز به دلیل تفاوت های فکری و نهادی ، غیر ممکن به نظر می رسید. بدین جهت بود که مجلس خبرگان تصویب قانون اساسی با درک مراتب پایداری ، حراست و حفاظت از انقلاب اسلامی و دستاوردهای مهم آن بر موجودیت سیاسی و واقعیت اجتماعی آن صحه گذاشت و بر تاسیس آن به عنوان یکی از نیروهای مسلح قانونی در اصل ۱۵۰ قانون اساسی ، مهر تائید نهاد.

۱-۳-۱- تعریف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مجموعه ستاد کل ، حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه ، سازمان حفاظت اطلاعات سپاه ، نیروی زمینی ، هوایی ، دریایی و مقاومت بسیج و قدس و سازمانهای وابسته به آنها اطلاق می گردد. (قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ، ماده ۳)

۲-۳-۱- هدف از تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پیروزی این انقلاب تشکیل شد، برای ادامه نقش خود در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن پابرجا می ماند. (ارگری، ۱۳۹۸ ، ۹۲) حدود وظایف و قلمرو

مسئولیت این سپاه در رابطه با وظایف و قلمرو مسئولیت نیروهای مسلح دیگر با تاءکید بر همکاری و هماهنگی برادرانه میان آنها بوسیله قانون تعیین می شود. (اصل ۱۵۰) با توجه به اصل فوق تا کنون دو قانون درباره سپاه پاسداران به تصویب رسیده است. اول، اساسنامه سپاه پاسداران است. دوم، قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۲۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و در تاریخ ۱۳۷۰/۸/۲۶ از طرف ستاد فرماندهی کل قوا جهت اجرا ابلاغ شده است.

۱-۳-۳- وظایف و ماموریت‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون در چارچوب هدف مهم سپاه پاسداران که نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن است، وظایف و ماموریت‌های فراوانی به این نهاد انقلابی محول شده است. مهم ترین آنها عبارت اند از:

الف. ماموریت نظامی: مقصود از ماموریت نظامی، مجموعه ماموریت‌هایی هستند که سپاه در قالب یک ارتش منظم انجام می دهد. این ماموریت از ابتدای انقلاب تا کنون بسیار متنوع و متعدد بوده است که از جمله آنها سرکوب ضد انقلاب و وابستگان رژیم شاه، گروهک‌های ضد انقلاب، خنثی کردن کودتا، سرکوب گروهها و افراد تجزیه طلب قومی و منطقه ای، گروههای برانداز مسلحانه، مقابله با تجاوز رژیم بعث صدام و... است. (اسماعیلی، ۱۳۹۹، ۶۲)

ب. ماموریت‌های انتظامی: به دلیل ناامنی اوایل انقلاب به وسیله افراد و گروههای ضد انقلاب و عدم توانایی نیروهای انتظامی یعنی شهربانی و ژاندارمری، مسئولان انقلاب اسلامی، این وظیفه و ماموریت را به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی واگذاشتند. از آن زمان تاکنون، این نیروی انقلابی و مردمی توانسته است تمام افراد، گروهها و گروهک‌های ضدانقلاب را سرکوب کرده، نظم و امنیت را به کشور بازگرداند و هم اکنون همه مردم ایران در نقاط دوردست تا مرکز کشور از این جهت احساس امنیت و آرامش خاطر دارند. (کارگری، ۱۳۹۱، ۱۴۳)

ج. ماموریت‌های اطلاعاتی سپاه: پس از پیروزی انقلاب اسلامی و انحلال سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک)، ایران عملاً فاقد نیروی اطلاعاتی بود. از یک سو، افراد و نیروهای اطلاعات سابق قابل اتکا و اطمینان نبودند و از سوی دیگر، هنوز هیچ سازمان اطلاعاتی نیز تشکیل نشده بود. به همین دلیل، ماموریت اطلاعات به سپاه واگذار شد و تا زمان تشکیل وزارت اطلاعات و تجمع وظایف

اطلاعاتی و امنیتی در این وزارتخانه ، سپاه این وظیفه مهم را انجام می داد و سپس این مأموریت به وزارتخانه جدید واگذار شد. (افتخاری، ۱۳۹۵، ۶)

د. مأموریت فرهنگی سپاه : از آغاز تشکیل سپاه ، یکی از وظایفی که این نهاد مقدس برای خود به رسمیت می شناسد، دفاع فرهنگی و تبلیغاتی از انقلاب اسلامی و ارزشهای آن است ؛ زیرا نگرهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن صرفاً محدود به مسائل نظامی ، انتظامی و امنیتی نیست ، بلکه دفاع همه جانبه از جمله دفاع در مقابل تهاجم فرهنگی است . علاوه بر این ، در حال حاضر تهدیدات را به سه دسته تهدیدات سخت (نظامی) تهدیدات نیمه سخت (امنیتی) و تهدیدات نرم (فرهنگی - تبلیغاتی) تقسیم می کنند. بدیهی است با توجه به این گونه تهدیدات (فرهنگی) ، دفاع در مقابل آن نیز لازم و ضروری است و از این رو، یکی از وظایف ذاتی سپاه ، دفاع فرهنگی و تبلیغاتی از انقلاب و دستاوردهای آن در داخل و خارج از کشور است ؛ زیرا راه مهم مقابله با تهدیدات فرهنگی ، دفاع با روشهای فرهنگی و تبلیغاتی است .

اینک سپاه پاسداران چه در حوزه فرماندهی و چه در حوزه نمایندگی رهبری بر اساس ابلاغیه ها و تدابیر و رهنمودهای مقام معظم رهبری کارهای فرهنگی انجام می دهد. این امر نشان می دهد که وظیفه سپاه ، صرفاً دفاعی نظامی ، انتظامی و یا امنیتی نیست ، بلکه دفاع در مقابل تهدیدات فرهنگی هم از جمله وظایف و مأموریتهای این نهاد مقدس است .

ه. سازماندهی و آموزش بسیج : به دلیل بروز مشکلات متعدد در سازمان بسیج ملی در اوایل انقلاب ، مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۵۹/۱۱/۱۹ ، قانون ادغام سازمان بسیج ملی (مستضعفین) را در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به تصویب رساند. به موجب این قانون ، از تاریخ تصویب آن ، سازمان بسیج ملی ، تحت عنوان ((واحد بسیج مستضعفین)) در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ادغام شد و مسئولیت اداره و فرماندهی آن به سپاه واگذار گردید. علاوه بر این کلیه اعتبارات و امکاناتی که از طرف سازمانهای دولتی و غیر دولتی و افراد که در اختیار آن بود، در اختیار سپاه پاسداران قرار گرفت . (افتخاری، ۱۳۹۳، ۱۴۲)

به موجب تصویب لایحه قانونی تشکیل سازمان بسیج ملی مورخه ۲۴/۴/۱۳۵۹ ، این سازمان دارای وظایف و اختیارات زیادی بود. (مجموعه قوانین سال ۱۳۵۹ ، روزنامه رسمی ، تهران ، بی تا، ص ۵۲۳)

علاوه براین ، به موجب قوانین مصوب ۱۳۶۶ هـ ش ، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ ، وظایف دیگری نیز به این سازمان افزوده شد. بدین ترتیب ، بسیج دارای وظایف و مأموریتهای زیادی است که این مأموریتها شامل مأموریت فرهنگی ، سیاسی ، اجتماعی و نظامی است . بسیج یکی از مأموریتهای سپاه است و سپاه پاسداران از آن در جهت حفظ و پاسداری از کشور و انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن استفاده می کند.

هشت سال دفاع مقدس در مقابل جنگ تحمیلی صدام، نشان دهنده ضرورت و لزوم وجود این دو نیرو در کنار یکدیگر برای دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن می باشد.

۱-۳-۴- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی دو نیروی شهربانی و ژاندارمری مسئول حفظ امنیت و نظم در شهرها، روستاها و مرزها بودند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بنابر اقتضای زمان نهادی برخاسته از مردم در محلات مختلف شهرها تحت عنوان ((کمیته انقلاب اسلامی)) شکل گرفت. از این زمان تا سال ۱۳۶۹، این سه نیرو مسئول برقراری نظم و امنیت مردم بودند؛ اما به دلیل مشکلاتی که به علت تعدد نیروهای امنیتی بین این سه نیرو (شهربانی، ژاندارمری و کمیته) به وجود آمد، تصمیم گرفته شد که این نیروها با هم ادغام شوند و یک نیروی جدید تشکیل شود.

سرانجام در تاریخ ۱۳۶۹/۵/۹ هـ ش، قانون نیروی انتظامی از تصویب نهایی مجلس گذشت و وزارت کشور را موظف کرد که ظرف مدت یک سال نیروهای انتظامی موجود را ادغام کند و سازمانی تحت عنوان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل دهد. علاوه بر این، تمام نیروهای مسلحی که در جهت امور انتظامی در ارتباط با قوه قضائیه، وزارتخانه ها و سازمانها، نهادها و مؤسسات مختلف، فعالیت می کردند، در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ادغام شدند و از طریق وزارت کشور و نیروی انتظامی تحت امر این نیرو قرار گرفتند. (مجموعه قوانین سال ۱۳۶۹، تهران، شرکت سهامی روزنامه رسمی، ۱۳۷۰، ۲۰۳)

به موجب این قانون، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، سازمانی مسلح است که در تابعیت فرماندهی کل قوا و وابسته به وزارت کشور می باشد. فرمانده نیروی انتظامی از طرف فرمانده کل قوا منصوب می گردد. (همان ماده ۲) هدف از تشکیل نیروی انتظامی، استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چارچوب این قانون در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران است. (همان ماده ۳)

۲- ویژگیهای کلی و اساسی نیروهای مسلح

اسلامی بودن: در تشکیل و تجهیز نیروهای مسلح، اساس و ضابطه، مکتب اسلام است، به نحوی که بر همه شئون و ابعاد آن، ضوابط و مقررات شرع حاکم باشد. نیروهای مسلح، رسالت مکتبی جهاد در راه خدا را بر عهده داشته، پیروی از اصول اخلاقی اسلام و احترام به شخصیت انسانی افراد را وظیفه خود می دانند. (ستوده جهرمی، ۱۳۹۲، ۸۱)

ولایی بودن: نیروهای مسلح تحت فرمان فرماندهی کل قوا بوده، اصل وحدت فرماندهی در تمامی رده های آن حاکم است و نیل به فرماندهی در تمامی رده ها براساس شایستگی و کارآیی صورت می گیرد. دستور فرمانده در صورتی که مغایر با دستورات مسلم شرع، فرمانهای فرماندهی کل و حاکمیت نظام و قوانین جمهوری اسلامی ایران نباشد، لازم الاجرا است. کارکنان نیروهای مسلح در خط سیاسی مقام رهبری بوده، عضویت و وابستگی آنان در تشکلهای سیاسی با توجه به فرمان مقام رهبری مطلقاً ممنوع است. (قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران، ریاست جمهوری، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، تهران، ۱۳۷۸، ص ۱۵، ماده ۶ (قسمت الف) فرماندهی کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مقام ولایت فقیه یا رهبری است. همه فرماندهان، رؤسا و مدیران موظف اند از ولی امر اطاعت و پیروی نمایند و هیچ فرمانده، مدیر یا فردی از نیروهای مسلح حق ندارد خلاف دستورات، فرامین و تدابیر مقام ولایت دستوری صادر کند یا از چنین دستوری اطاعت کند.

مردمی بودن: نیروهای مسلح، همواره در کنار مردم و در جهت مصالح و آرمانهای امت اسلامی، انجام وظیفه می کنند و در زمان صلح نیز به درخواست دولت، افراد و تجهیزات فنی خود را در حدی که به آمادگی رزمی آنها آسیبی وارد نیاید، در جهت خدمت به مردم در زمینه کارهای امدادی، آموزشی، تولید و جهاد سازندگی به کار می گیرند. (همان، ماده ۶، قسمت ج)

خودکفایی: نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با بهره گیری از تمامی توان خود در جهت رسیدن به خودکفایی در کلیه زمینه ها از قبیل سازماندهی، آموزشی، تدارکاتی، اطلاعاتی و صنعتی می کوشند. (همان قسمت د) تحریم جمهوری اسلامی ایران از سوی دشمنان اسلام از یک سو و کمکهای تسلیحاتی، مالی، اقتصادی و اطلاعاتی آنها به رژیم بعث عراق در هشت سال دفاع مقدس از سوی دیگر، ضرورت خودکفایی در عرصه علوم و فنون و تجهیز نظامی را هر چه بیش تر نمایان ساخت. (صفری کاکرودی، ۱۳۹۸، ۱۸۷)

انضباط: انضباط دارای دو جنبه است: جنبه معنوی و جنبه ظاهری. جنبه معنوی انضباط بر اثر ایمان و اعتقاد به خدا و مبانی دین مبین اسلام و انجام فرائض دینی و پای بند بودن به احکام و ارزشهای اخلاق اسلامی، احساس مسئولیت معنوی در قبال نظام جمهوری اسلامی، میهن و ملت ایثارگر ایران، قانون و وظایف محوله، اعتقاد به منطقی و عادلانه بودن مقررات و اعتقاد به فرماندهان، رؤسا، مدیران و همکاران در پرسنل پدید می آید به گونه ای که حتی اگر تمام نظارتها، برداشته شود، جنبه معنوی انضباط همچنان پابرجا و برقرار می ماند. جنبه معنوی انضباط، پایه و اساس تربیت نیروهای مسلح مکتبی، فداکار و وظیفه شناس را تشکیل می دهد. (آئین نامه انضباطی نیروهای مسلح، ماده ۸)

جنبه ظاهری انضباط با حفظ احترامات و آراستگی ظاهری، دقت در اجرای قوانین و مقررات و دستورات، تحقیق می یابد. (همان، ماده ۹)

سادگی: در نیروهای مسلح در تمامی زمینه ها، اعم از طرح ریزیهای ستادی، اعمال مدیریت، به کارگیری سیستمها و روشها، گزینش فناوری و صدور دستورالعملها، باید اصل سادگی رعایت شود و تشکیلات غیرضروری و تشریفات بی مورد، حذف و روشهای یکنواخت سازی مورد توجه قرار گیرد. (قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران، ماده ۶ (قسمت و))

اقتدار: نیروهای مسلح باید از چنان آمادگی، تحرک و اقتداری برخوردار باشند که بتوانند با بهره گیری از تمامی امکانات جمهوری اسلامی، جرئت تعرض را از دشمنان آشکار و پنهان سلب نمایند. (همان قسمت ز)

تدافعی بودن: نیروهای مسلح با بهره گیری از تمامی توان خود، دشمن را از تعرض بازداشته، در برابر هرگونه تجاوز به انقلاب اسلامی و کشور ایران، دفاع می کنند و متجاوز را تنبیه و سرکوب می نمایند و در عین اعتقاد به اصل عدم تعرض، ملل مسلمان یا مستضعف غیرمعارض با اسلام را برای دفاع از خود، یاری می کنند. (همان قسمت ح)

۳- دفاع مشروع توسط نیروهای مسلح و صلح پایدار

بر اساس مبانی فقه اسلامی و نیز اصول پذیرفته شده در حقوق بین الملل دفاع مشروع محدود به مرزهای جغرافیایی یک کشور است و دفاع در خارج از مرزهای جغرافیایی همواره محل اختلاف نظر صاحب نظران بوده است در این تحقیق مشروعیت دفاع در خارج از مرز در دو حوزه دفاع از خود و دفاع از دیگران، با کنکاش در مبانی فقهی آیات، روایات عقل و (اجماع) و اصول حقوق بین الملل (منابع مکتوب بین المللی، رهنامه حقوقی و عقل مورد بررسی قرار گرفته است بررسی منابع فقهی معتبر و نظریه های حقوقدانان در حقوق بین الملل و نیز رویه و عرف بین المللی نشان میدهد در حوزه دفاع از دیگران مصداق هایی چون دفاع از هم پیمان و مداخله با دعوت یا رضایت کشور مورد تهاجم با رعایت الزامهای حقوقی، براساس مبانی اسلامی و موازین حقوق بین الملل قابل توجیه است و در حقوق اسلامی مشروعیت مواردی چون دفاع از سرزمینهای اسلامی، دفاع از مسلمانان و ملت‌های مظلوم غیر قابل تردید است. مشروعیت دفاع پیشدستانه (دفاع از خود در خارج از مرزها در جایی که ورود خسارت قطعی یا نزدیک به قطعی بودن همراه با قرائن متقن باشد و توسل به زور برای دفاع از خود در برابر آن، خطر ضرورت داشته باشد بر اساس مبانی عقلی) اسلامی و رهنامه از حقوقدانان پذیرفته شده است. در هر دو قلمرو دفاع از دیگران و دفاع از خود، مشروعیت دفاع خارج از مرز در موارد استثنایی در عین رعایت محدودیتهای توسل به زور قابل اثبات است. (علینقی، ۱۳۹۱، ۵۲)

با شکل گیری دولت اسلامی عراق و شام (داعش) و تصرف بخشهای زیادی از سوریه و عراق نه تنها موجودیت این دو کشور اسلامی به خطر افتاد، بلکه به دلیل حمایت های غربی - عربی از داعش و آشکار شدن نیت اصلی این گروه برای تسلط کل جهان اسلام امنیت همه مسلمانان - به ویژه در منطقه غرب آسیا - مورد تهدید قرار گرفت بازنگری و مطالعه دقیق در مبانی دفاع از خود» و «دفاع از دیگران» در خارج از مرزهای جغرافیایی از منظر مبانی حقوق اسلامی در وضعیت فعلی که اتحاد مسلمانان مهمتر از هر زمان دیگری است، ضروری به نظر میرسد. دفاع مشروع یا قانونی در حقوق داخلی و حقوق بین الملل دو معنای متفاوت اما نزدیک به هم دارد در حقوق جزای داخلی دفاع مشروع به عنوان یکی از عوامل توجیه کننده جرم چنین تعریف گردیده است عمل کسی که در مقام دفاع از خود یا دیگری مرتکب فعلی میشود که در شرایط دیگر جرم است، پسندیده محسوب می گردد...». (عسگری، ۱۳۹۰، ۳۰۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در مواد ۱۵۶ و ۱۵۷ بخش چهارم - فصل دوم: موانع مسئولیت کیفری) به دفاع مشروع اشاره و آن را چنین تعریف کرده است هر گاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب الوقوع با رعایت مراحل دفاع مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمیشود.... در حقوق جزای اسلامی، حق دفاع مشروع چنین تبیین شده است اشکالی نیست در اینکه انسان حق دارد محارب و مهاجم و دزد و امثال آنان را از جان ناموس و مال خود هرگونه که بتواند براند». در حقوق بین الملل دفاع مشروع حقی است که کشورها بر اساس آن میتوانند از خود در مقابل حمله مسلحانه با واکنش نظامی به فوریت و به هر وسیله ممکن متوسل به زور شده و از خود دفاع نمایند. (عباس، ۱۳۹۰: ۴۹۳) در حقوق اسلام (کتاب الجهاد نیز در مورد دفاع از سرزمین چنین آمده است: «اگر سرزمینهای مسلمانان و یا حدود و مرزهای آن زیر سلطه دشمن قرار گیرد به - طوری که ترس آن رود که مرکز اسلام و مجتمع اسلامی از بین برود بر همه واجب است به هر وسیله ای که ممکن باشد از قبیل بخشش مال و جان از کیان و عظمت اسلام دفاع نمایند». (امام خمینی ۱۴۲۵، ۳۲۷)

۳-۱- دفاع خارج از مرز

منظور از دفاع خارج از مرز در این تحقیق باتوجه به بحثهای آتی، اشاره به دو حالت کلی استدفاع از دیگران اشاره به دخالت دولت و افرادی است که به صورت مستقیم جنگ درگیر نبوده و طرف اصلی در جنگ بین دو گروه نیستند اما به دلیل علاقه های دینی، سیاسی - امنیتی یا اقتصادی به عنوان طرف سوم در جنگ دخالت کرده و به نفع یک طرف با کشور مقابل وارد جنگ مستقیم یا غیر مستقیم میشوند. دفاع از خود به معنای دفاع مشروع پیشدستانه علیه تهدیدهایی است که قریب الوقوع هستند. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۱، ۶۵)

۳-۲- مشروعیت دفاع خارج از مرز در حقوق اسلام

از دیدگاه مطلوب و آرمانی در اسلام مرز جغرافیایی سرزمین اسلامی تا جایی ادامه دارد که عقیده اسلامی در آن حاکم است؛ در عین حال که تا زمان تشکیل حکومت جهانی و واحد اسلامی وجود سرزمینهای دیگر و قبائل مختلف و احترام به سایر ملتها نفی نشده است. وجود احکام و مسائلی چون ضرورت حفظ و پاسداری از مرزهای

اسلامی و دفاع از وطن تشویق به وطن دوستی و مقررات مربوط به روابط مسلمانان با بیگانگان نشان دهنده شناسایی سرزمین، اسلامی حدود آن و همچنین حدود حاکمیت سایر دولت هاست مصداقهایی که در این بخش بیان خواهد شد دیدگاه اصیل اسلام در قلمرو دفاع مشروع بوده و جدا از مرزهای جغرافیایی و مصلحت اندیشی هایی که با توجه به اوضاع هر دوره ای وجود دارد، دفاع را به عنوان یک تکلیف برای هر مسلمان در سراسر جهان تعیین داده است. (ولپور، ۱۳۹۳، ۲۳)

۴- نیروی مسلح و حفظ صلح و امنیت پایدار

۱-۴- امنیت به مثابه مهمترین کارویژه دولت

امروزه سازمان پلیس در تمامی کشورهای جهان نقش مهمی را در فرایند تأمین امنیت و مبارزه با تهدیدهای آن ایفا می‌کند. پلیس مظهر و نماد عدالت و مبارزه با ظلم، قانون گریزی و تجاوز به حقوق دیگران است. نیروی انتظامی ... ایران نیز به مثابه یکی از مهم و بنیادین اجتماعی و امنیتی دارای وظایف و مأموریت‌های خطیری در فرایند تأمین امنیت پایدار و مراقبت از آن به دنبال تحولات مثبت سالهای اخیر در نظام برنامه ریزی کلان کشور افقی بیست ساله تحت عنوان سند چشم انداز ۱۴۰۴ برای توسعه کشور ترسیم شد تا برنامه های توسعه با جهت گیری دستیابی به ویژگیهای افق مقصد تنظیم و تدوین شود از منظر نگارنده هدف نهایی سند چشم انداز بیست ساله، یک برنامه و سند راهبردی و دراز مدت برای توسعه و امنیت پایدار در همه زمینه ها محسوب می گردد. بر همین اساس سند چشم انداز بیست ساله ج.ا.ایران از دیدگاه الگوی توسعه پایدار، پیوستگی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و محیط زیستی و در سطوح بین المللی است. به سخن دیگر چشم انداز ماهیتی چند بعدی داشته و شرایط تحقق یافتن آن نیز چند بعدی خواهد بود و طبیعتاً دستیابی به اهداف سند چشم انداز ۱۴۰۴ در گرو تحقق مؤلفه های آن است. در این میان امنیت یکی از این مؤلفه ها محسوب میگردد که خود بستری برای شکل گیری مؤلفه‌های دیگر انگاشته میشود از سوی دیگر توسعه پایدار و امنیت مکمل یکدیگر بوده و هر یک زمینه ساز دیگری تلقی می گردد ضمن آنکه امنیت را می توان شرط لازم برای توسعه پایدار دانسته و توسعه پایدار را نیز زمینه ساز گسترش و تقویت و ارتقای امنیت دانست. (متقی، ۱۳۹۵، ۷۳)

از دیدگاه الگوی پایدار پیوستگی ابعاد، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیط زیستی، در سطوح منطقه ای و بین المللی رو به گسترش است توسعه پایدار نیز بدون دستیابی به واقعتهایی جهت گیری های توسعه ای ملی از امنیت پایدار امکان پذیری نگر، برون نگر منطقه ای و جهانی و آینده نگر باشد.

جمله چشم انداز باید کل، نگر همه از این رو چشم انداز سرشتی چند بعدی دارد و شرایط تحقق یافتن آن هم چند بعدی است (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۶، ۱۵۰). امروزه برخی از نویسندگان امنیت را بسیار فراتر از محدوده مفهوم امنیت ملی میدانند و تلاش میکنند تا ملاحظات دیگری را در تعریف کلی این واژه بگنجانند و به ابعاد مختلف آن توجه بیشتری نمایند هر تقدیر امنیت ملی عنصر جدایی ناپذیر سیاسی یک کشور است و همانند چیزی است که حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یک ملت را پوشش میدهد تا زمانی که امنیت ملی یک کشور وجود

دارد واحد سیاسی دچار هیچ نوع گزندی نمیگردد اما با فقدان یا ضعف آن آفتهای زیادی متوجه حیات سیاسی و زندگی اقتصادی کشور میگردد (پورا احمد، ۱۳۹۰، ۱۹۳) از سوی دیگر توسعه پایدار و امنیت ملی مکمل یکدیگر بوده و هر یک زمینه ساز دیگری است ضمن آنکه امنیت ملی شرط لازم برای توسعه پایدار و موزون است و توسعه پایدار نیز زمینه ساز گسترش و تقویت و ارتقای امنیت ملی و اجتماعی میباشد و رابطه این دو بسیار ظریف و حساس و تلفیق این دو و بسترسازی هر یک با دیگری یک ضرورت محسوب می گردد (همان، ص ۱۹۷)

جمهوری اسلامی ایران در افق آرمانی و چشم انداز بیست ساله خود، بر خورداری از فرصتهای، برابر امنیت غذایی جامعه ای توسعه یافته بهره مند از امنیت اجتماعی و قضایی امن، مستقل و مقتدر با سامانه دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه، پیوستگی مردم و، حکومت بهره مند از محیط زیست مطلوب دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری دارای رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی و تعامل سازنده و مؤثر با جهان، بهره مند از عدالت اجتماعی، تأمین اجتماعی، و را هدف گذاری نموده است. خلاصه آنکه هدف نهایی چشم انداز توسعه پایدار در همه زمینه ها و ابعاد از جمله امنیت پایدار می باشد. (تاجیک، ۱۳۹۷، ۹۲)

کلمه امنیت مأخوذ از کلمه لاتین securitas است که از securus به معنای «فراغت از نگرانی گرفته شده است (کالدول، ۱۳۸۲ ص ۳۳۳) همچنین امنیت به معنای ایمن بودن و به دور بودن از مخاطرات است (حیدرخانی، ۱۳۹۲، ۷۱۸). بنابراین امنیت وضعیت یا حالت رهایی از تهدیدهای زیانبار از نظر جوزف نای امروزه هدف بخش اعظم سیاستهای امنیتی تأمین و تضمین استقلال عمل اجتماعی میزانی از موقعیت سیاسی نه صرفاً تضمین بقای فیزیکی افراد در داخل مرزهای ملی است وی معیار دیگری را نیز اضافه میکند بهره مندی مورد انتظار از رفاه اقتصادی در سطح حداقل» (خانی، ۱۳۹۹، ۳۷) علاوه بر این امنیت را می توان هم به عنوان هدف و هم به عنوان نتیجه تعریف کرد آن را یک هدف تعریف کنیم، در حقیقت اشاره به حفظ ارزشهای اصلی دارد و به عنوان یک نتیجه، امنیت به این معنی است که ما نمی توانیم ماهیت آن را بشناسیم و یا اهمیت آن را بدانیم، مگر این که با خطر از دست دادن آن روبه رو شویم. بنابراین از بعضی لحاظ امنیت بر مبنای

تعریف میشود که آن را تهدید میکند (رنجبر، ۱۳۹۸، ۶۷-۶۸) آرنولد و لفرز در تعریف امنیت میگوید: «امنیت در یک مفهوم عینی به فقدان تهدیدها نسبت به ارزشهای اکتسابی تلقی میشود و در یک مفهوم ذهنی براساس فقدان دلهره نگرانی از به مخاطره افتادن ارزشها و توانمندی لازم در کسب نتایج منصفانه ارزیابی میگردد (همان منبع). علاوه بر موارد فوق باید به این نکته نیز اشاره کرد که امنیت مفهومی نسبی است پس نمیتوان تعریفی مطلق از آن ارائه داد. حتی تهدیدهای بیرونی همواره ریشه در بستر آسیب پذیرهای درونی دارند»، (تاجیک، ۱۳۹۷، م بنابراین، امنیت مفهومی است که در معرض برداشتهای مختلف است. شاید بتوان گفت امنیت مفهومی متفاوت است و در معرض ادعاهای گوناگونی قرار دارد که هر کس آن را به شیوه ای دلخواه تعریف میکند (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۱، ۷۱۹) همچنین امنیت در اندیشه اسلامی نیز جایگاه ویژه ای دارد که بحث در زوایای آن مجال

خود را می‌طلبد. اما به گونه فشرده می‌توان گفت که در حدیث نبوی الامن و العافیه، نعمتان مغبون فیها کثیراً من الناس امنیت و تندرستی دو نعمتی است که بسیاری از مردمان در آن مغبونند (هاشمی، ۱۳۹۳، ص ۸۲) یا در گفتار مشهور النعمتان مجهولتان الصحه والامان از «تندرستی و امنیت» به عنوان دو نعمت ناشناخته یاد میشود؛ واقعیتی که هم در گذشته و هم امروز انکار شدنی نیست تا زمانی که این نعمتها جاری است کمتر درک می‌شود اما با بروز خلل و کاستی در آنها همه نیازهای دیگر بی‌درنگ رنگ می‌بازد (همان، ص ۸۲). در یک تعریف نهایی میتوان گفت امنیت جامعه توانایی و انسجام نهادی و شخصی ونی است (شریفی طراز کوهی، ۱۳۹۱، ۱۵۱).

جامعه برای مقابله با تهدیدات بیرونی و درونی در رویکردهای نوین به امنیت امنیت از یک وضعیت به یک «تولید اجتماعی» تبدیل میشود (شریعت مدار جزایری، ۱۳۹۹، ۹۳) بر همین اساس در گفتمان مدرن فقدان تهدید زمانی معنادار است که یک کشور از توانایی و قدرت مقاومت و پیروزی در جنگ و فراتر از این از قدرت بازدارندگی یا مقابله به مثل برخوردار باشد. به عبارت دیگر در گفتمان مدرن بر اساس نوعی نگرش، ایجابی تأکید بر کسب قدرت و توانایی ملی نگرشی نتیجه منطقی تشکیل دولتهای مدرن بر اساس مفهوم حاکمیت است که اقتدار در چارچوب مرزهای ملی و استقلال در روابط خارجی را معنادار ساخته اند. حاکمیت به عنوان مهمترین مفهوم محور اساسی نظریه دولت مدرن دلالت بر حق انحصاری دولت برای استفاده از زور یا قدرت مشروع، دارد که از یک سو ناظر بر کسب قدرت و توانمندی داخلی و از سوی دیگر ناظر بر کسب قدرت و توانمندی بین المللی است بنابراین در عرصه داخلی و در عرصه بینالمللی امنیت دولت مدرن زمانی معنادار می‌شود که دارای قدرت برتر باشد؛ به عبارتی دیگر جامعه ای که توانایی و شرایط عینی کسب و منافع خود را نداشته باشد حتی اگر با فقدان تهدید هم مواجه باشد باز هم جامعه ای ناامن تلقی میشود (عاملی، ۱۳۸۴، ۱۲۴).

در گفتمان مدرن علاوه بر فقدان تهدید بر ایجاد احساس ایمنی و نیل به سطحی از اطمینان خاطر برای تحصیل و صیانت منافع ملی از طریق کسب و حفظ قدرت و توانایی ملی نیز تأکید میشود. هر چند در این گفتمان غلبه نگرش نظامی هنوز وجود دارد و دستیابی، حفظ و گسترش سلاح های نظامی به عنوان ابزارهای عینی و حفظ سرزمینی به عنوان بعد فیزیکی و مادی قدرت از اهمیت بسیاری برخوردار است، اما علاوه بر آن به تبع بعد ذهنی روانی یا معنوی قدرت بعد عینی امنیت نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است تأکید بر ابعاد نرم افزاری امنیت در کنار ابعاد سخت افزاری و حتی مهم تر از آن، این گرایش را بیش از پیش تقوی بعد ذهنی امنیت را در کنار بعد عینی آن از اهمیت و اعتبار برخوردار ساخته است (همان، صص ۱۲۵ - ۱۲۶).

از این رو دستیابی به منافع ملی و به تبع آن امنیت ملی در این گفتمان به دلیل غلبه نگرش ایجابی و ماهیت تأسیسی امنیت در صورتی امکان پذیر میشود که قدرت و توانایی کسب و حفظ آن وجود داشته باشد. اما باید توجه داشت کسب توانایی و قدرت برای کسب و حفظ منافع ملی به صورتی معماگونه خود منشأ اصلی تهدید نیز تلقی می‌شود. به عبارت دیگر تلاشی برای کسب و حفظ قدرت و توانایی ملی از یک سو بالاترین هدف و مرکز ثقل تعریف امنیت در این گفتمان و از سوی دیگر تمایل به این امر منشأ اصلی و اساسی تهدید است (همان، ص ۱۲۴)

عنصر اصلی و معرف این مفهوم ماهیت جامعی است که در آن امنیت به چشم میخورد منافع یا ارزشهای اصلی دولتها همچون ابزارها و فرایندهایی که برای حمایت از آنها مورد استفاده قرار میگیرند توانمندیهایی که برای تضمین آنها لازم است، متفاوت و جامع میباشد امنیت جامع به تقویت دولت و نه افراد می پردازد و به رغم ارتباط کاملی که با دستور کار توسعه در دولتهای عضو آسه آن دارد، توجه خویش را معطوف دولت نموده و آن را در مرکز سیاست گذاری امنیتی قرار میدهد در این رویکرد توسعه اقتصادی روشی برای نیل به رفاه افراد جامعه بود که به رژیم تلقی میشد.

شورای همکاری امنیتی در آسیا پاسفیک امنیت جامع را چنین تعریف مینماید: امنیت جامع امنیت پایدار را در همه ابعاد (سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، اجتماع محیطی و شخصی و در قلمرو داخلی و خارجی و از طریق ابزارهای همکاری جوینانه تعقیب می کند» این رویکرد به چند وجهی بودن امنیت توجه دارد و علاوه بر بعد نظامی به ابعاد غیر نظامی نیز توجه می کند.

امنیت جامع حاکی است که امنیت شخص، جامعه و دولت ماهیتاً چندوجهی و چند بعدی است. در نهایت اینکه امنیت جامعه امنیت تمام نیازهای اساسی، ارزشهای اصلی و منافع حیاتی افراد و جامعه را در زمینه ها و حوزههای مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و محیطی و نظامی شامل میشود هر چیزی که رفاه جامع انسان جامعه و دولت را تهدید کند، چه آنهایی که منبعث از منابع خارجیانند و چه آنهایی که از درون یک دولت ناشی می شوند، در واقع امنیت را تهدید میکنند از این رو انکار دسترسی مشروع به منابع حیاتی سوخت از خارج از کشور و یا واردات مواد غذایی اعمالی که بر درآمدهای ناشی از صادرات یک کشور شدیداً تأثیر میگذارد و شرایط و تقاضاهایی که به طور جدی رقابت و خود کفایی اقتصادی را فلج می کند میتواند تهدیدهایی برای امنیت در حوزه اقتصادی قلمداد شود.

مسائل اقتصادی در صدر دستور کار تمامی دولتهای محلی قرار گرفته است. مسائل عمده اقتصادی در ارتباط با امنیت عبارتند از فقر بیکاری بی نظمی ها و نابسامانی های منبعث از اصلاحات ساختاری اقتصاد، اضطرابهای ناشی از زیانهای اقتصادی، ترس از تنزل توان رقابت، وابستگی به کمکهای خارجی بار مسئولیت بدهی های سنگین، عدم کفایت انرژی و غذا و تهدید تحریمهای اقتصادی سوء مصرف مواد مخدر، پیامدهای مخرب اجتماعی ناشی از مهاجرتهای زیاد بیماریهای همه گیر و افت شدید معیارهای اخلاقی برای مثال ناشی از فساد فزاینده از جمله عواملی هستند که می توانند منجر به تهدیدات امنیت در حوزه اجتماعی شوند تهدیدات امنیتی در بعد سیاسی عبارتند از: اقدامات براندازی، حکومت، شورش منازعات داخلی آشوبها و تدروی های قومی یا مذهبی. تهدیدها نسبت به زندگی و آزادیهای شخصی نیز در زمره این دسته از تهدیدها قرار میگیرند چالشهای محیطی برای امنیت شامل این موارد می شوند: گرم شدن جهانی، تهدیدها علیه تنوع زیستی جریانات مربوط به آلودگیهای جوی، بهره برداری از منابع تجدیدناپذیر، آلودگی زمینی و دریایی و آسیبهای محیطی که به رفاه انسانی و اقتصاد لطمه وارد می کند مسائل مربوط به امنیت نظامی و فیزیکی عبارتند از: تهدید، تجاوز بیگانگان حمایت از منابع در مناطق

اقتصادی انحصاری درگیری های مرزی، امنیت مسیرهای دریایی گسترش و تکثیر سلاح های هسته ای و سایر سلاح های کشتار جمعی و افزایش قدرت نظامی اساساً دو کار ویژه یا دو کار کرد مربوط به دولتهای امروزی است. این دو کارویژه عبارتند از: ایجاد نظم به معنای وسیع کلمه در داخل و حفظ تمامیت کشور و جامعه در مقابل تهدیدهای خارجی یا قدرتهای دیگر ایجاد نظم در داخل طبعاً دارای ابعاد متنوع و متعددی است و نیز لایه ها و درجات مختلفی دارد یکی از این ابعاد ایجاد امنیت است و از خود امنیت هم در سطوح مختلفی متصور است. از آنجا که اولین تهدیدهایی که متوجه امنیت فردی و اجتماع است خطرهایی است که متوجه هستی جان و مال اشخاص و نیز اموال عمومی می شود بنابراین دولت باید خود را مجهز به ابزار و وسایلی کند که بتواند وظایف سنگین خود را در . در خصوص تأمین تأمین امنیت جانی و مالی به انجام برساند. بنابراین تشکیل یک نیروی نظامی یا به هر نامی که خوانده شود برای دولت ضرورت کامل دارد و بعد از این که امنیت جانی و مالی و تهدیداتی که متوجه حیات فردی و اجتماعی هست از بین رفت آن وقت امنیتهای دیگر مانند امنیت شغلی، امنیت قضائی، امنیت فرهنگی و مطرح میشود در نتیجه تشکیل یک نیروی پلیس یعنی، نیرویی که وظیفه تأمین امنیت را برعهده دارد و معمولاً به همین نام نامیده می شود، رابطه نزدیکی با اولین و مهم ترین وظیفه دولت امنیت دارد (نقیب زاده ۱۳۷۹، ۷) دولت های ملی همواره در صدد استقرار امنیت داخلی برای حفظ و پیشرفت نظام خود و پیشرفت هستند تردیدی نیست که بدون وجود امنیت هیچ برنامه ای در داخل کشور قابل اجرا نیست. شکوفایی اقتصاد کشور، سرمایه گذاری، طرح ریزی برای توسعه و هرگونه فعالیتی که نیاز به زمینه آرام و مطمئن در سطوح مختلف جامعه داشته باشد همه در گرو تأمین امنیت است. در واقع امنیت در زمره، اهداف منافع و ارزشهای اصولی و پایدار جامعه میباشد. امنیت مفهومی فراتر از بقا و صیانت کشور دارد. به عبارت دیگر در یک مقطع زمانی ممکن است تمامیت ارضی یک کشور تأمین باشد و استقلال و حاکمیت آن نیز حفظ و برقرار باشد، اما وجود تهدیدهای جدی به این ارزشها و منافع زندگی سیاسی و اجتماعی کشوری را دستخوش آشوب و هراس و سردرگمی نماید بنابراین به این دلیل سخن از ثبات و امنیت پایدار می رود (ظریف، ۱۳۹۱، ۱۱۷).

در مجموع هر چه توان پلیسی دولتها زیادت باشد و بتوانند پیچیدگی های خطرهایی که امروز امنیت فردی و جمعی را تهدید میکنند زودتر کشف کنند و به شهروندان این اطمینان خاطر را بدهند که نیرویی هست تا حافظ جان و مال آنها باشد به میزان مشروعیت و محبوبیت خود می افزایند ابعاد دیگر این موضوع به طور محسوسی بر ثبات سیستم سیاسی اثر می گذارد احساس ناامنی اگر در هر جامعه ای وجود داشته باشد، خود بخود پیامدهای دیگری را نیز به دنبال دارد و به احساس محدود نمی شود. از سوی دیگر، مردم انتظار دارند که دولتهایشان از کارایی بالایی برخوردار باشند و طبعاً یک بخش از این کارایی مربوط به ایجاد نظم و امنیت میشود که اولین وظیفه ای است که دولت ها برعهده دارند. حتی در بخش اندیشه های سیاسی در عصر جدید اگر از «هابز» شروع کنیم، اساساً جدید را امنیت میداند یعنی قرارداد اجتماعی بریک معامله مبتنی است. افراد آزادی خود را به یک نیروی برتر تفویض می کنند تا در مقابل، این نیروی برتر امنیت آنها را تأمین کند (صفاری، ۱۳۹۸، ص ۸).

۵- نقش و کارکرد نیروی انتظامی در استقرار نظم و امنیت در افق چشم انداز ۱۴۰۴

نیروی انتظامی مهم ترین سازمان و تشکیلات مسئول برقراری نظم و امنیت در کشور محسوب می گردد. این نیرو با برقراری امنیت در کنار نظم که لازمه هرگونه پیشرفت فردی و اجتماعی است امکان ادامه حیات مادی و معنوی و هرگونه توسعه ملی را فراهم میسازد اولین برخورد قانونی با افرادی که به طریق مختلف در صدد به هم زدن امنیت و نظم جامعه هستند توسط کارکنان نیروی انتظامی صورت میگیرد. از دیگر سو، حضور فیزیکی عناصر نیروی انتظامی در معابر و اماکن عمومی خود عامل پیشگیری از وقوع جرم است (آقاپور، ۱۳۹۰، ۱۰۶) اهمیت و نقش نیروی انتظامی به آن حد است که به موجب قسمت ششم از بند ششم اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نصب و عزل و قبول استعفای فرماندهان عالی انتظامی بر عهده عالی ترین مقام نظام جمهوری اسلامی ایران یعنی مقام معظم رهبری است. همچنین در ماده سوم از قانون تشکیل نیروی انتظامی (مصوب سال ۱۳۶۹) چنین تصریح شده است «هدف از تشکیل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چارچوب این قانون در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران است. بر این اساس وظایف عمده نیروی انتظامی را می توان به شکل زیر طرح نمود:

الف - استقرار نظم و امنیت؛

به تأمین آسایش عمومی و فردی؛

ج - نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلام

توجه به مفاد بند نخست از این اصل کافی است تا به نقش عمده نیروی انتظامی در استقرار نظم و امنیت جامعه پی از سوی دیگر تحقق مفاد بندهای «ب» و «ج» در صورت تحقق مفاد بند «الف» به منصفه ظهور خواهد رسید. تحقق مفاد بندهای «ب» و «ج» مفاد به منصفه مفاد و نیز به نوبه خود اهمیت و گستردگی وظایف و نقش خطیر این نیرو را در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آشکار می سازد.

بر همین اساس میتوان اظهار داشت که پلیس از یک سو یک نیروی دولتی اجبار آمیز است که قدرت مشروع اجبار فیزیکی را به صورت قانونی در اختیار دارد و از سوی دیگر یک نیروی مدنی است که هیچ فاصله ای میان او و مردم از این حیث وجود ندارد. ما تصاویر و جلوه های قدرت و مدنیت پلیس را هر روزه در خیابانهای شهر، رسانه ها، در مکانهای عمومی و در تشریفات و آئینهای خاص مشاهده میکنیم مثلاً می بینیم مأمور پلیس دست دانش آموزی را گرفته و او را از مسیر خط کشی شده ویژه عابران پیاده عبور می دهد اگر چه در لباس مأمور امنیت است اما در آن لحظه نقش مدنی و آموزشی دارد نه نقش اقتداری و سازمانی بعد نخست یعنی اقتدار دولتی، پلیس در تأمین، نظم استقرار و نگهداری امنیت متجلی می شود. همچنان که دولت نماد قدرت قانون و نظم است پلیس هم تجسم ویژگی های نظام سیاسی میباشد ساختار یک نظام سیاسی در عمل پلیسی نمود می یابد. قانون

محوری و سازمان‌گرایی حکومت باعث می‌شود که این اقتدار فراگیر گاه دولت مردان و سیاست‌مداران را هم شامل فعالیت و عمل پلیسی کند. از این منظر:

۱- پلیس تجسم نمادین نظام سیاسی است هر مأمور پلیس نه تنها نماد اقتدار دولت از طریق تحقق و توزیع نظم در جامعه بر اساس هنجارهای قانونی و فرهنگی تعریف شده در جامعه است بلکه واجد اقتدار و ظرفیت لازم برای تصمیم‌گیری در این مورد که چه اعمالی مایه نقض هنجارها می‌شود می‌باشد.

۲- پلیس مظهر حضور فراگیر است این اقتدار زمانی و مکانی فراگیر را به نمایندگی از جانب حکومت دارا است. این وضعیت نیروی پلیس را تبدیل به عاملی آشکار و عیان می‌کند که در واقع از این حیث با سیاست چفت و بست است.

۳- کارکردهای چندگانه: پلیس کارکرد پلیس نسبت به زمانهای قدیم از حد صرف اعمال قانون فراتر می‌رود مأموران پلیس خلاءهای ایجاد شده در بطن جامعه را از راه مساعی و اشتراک عمل با مراکز و عاملان اجتماعی پر می‌کنند.

۴- آزادی عملی در انجام وظایف باعث می‌شود نه تنها مردم بلکه سیاست‌مداران و حکومت را هم در بر بگیرد. در این معنا پلیس می‌تواند از خدمات رسانی به مقامات دولت حتی در مواردی که دارای مصونیت هستند خودداری ورزد.

۵- استفاده مشروع از زور تنها پلیس است که در استفاده از زور برای فرایند دستگیری و حتی استفاده از خشونت مجاز است (انصاری لری، ۱۳۹۹، ۸۹)

بعد دوم یعنی هویت مدنی و اجتماعی پلیس عمدتاً در سطح عوامل پلیس (یعنی مأموران در حیطه عمل و رفتار پلیس ظاهر می‌شود به این معنا که پلیس با حفظ هویت سازمانی خود و با توجه به نوع فعالیت وارد حوزه عمومی می‌شود و با شهروندان در فعالیت مدنی و اجتماعی مشارکت می‌جوید پاسخگویی به دریافت‌کنندگان خدمات پلیسی، تعامل ارتباطی با مردم و شهروندان و پلیسی محلی از وجوه و کارکردهای مدنی و اجتماعی پلیسی می‌باشد منشأ و پیدایش پاسخگویی به تعامل حوزه عمومی و قدرت، یعنی رابطه دولت و جامعه مدنی باز می‌گردد در این رویکرد مسئولیت و قدرت پلیس که به طور غیر مستقیم از ناحیه شهروندان تفویض شده مستلزم و موجب پاسخگویی پلیس به حوزه عمومی یعنی مصرف‌کنندگان خدمات پلیسی می‌باشد.

بر اساس تبیین فوق پاسخگویی پلیس به شکل نهادی سه حوزه ذیل را دربر می‌گیرد:

۱- پاسخگویی به ارباب رجوع یا کسانی که از خدمات پلیس استفاده

۲- پاسخگویی به همکاران، سازمانها و مراکز؛

۳- پاسخگویی به کلیت جامعه که عملیات کامل [پلیسی] در آن صورت می‌گیرد. وجهی دیگر از هویت مدنی پلیس در کارکرد صلح‌آمیز، تفاهم‌جویانه و همزیستی‌گرایانه آن با مردم دیده شده است. در نگرشهای جدید، پلیس یک نیروی خشن و سرکوبگر و تنبیه‌کننده نیست پلیمر با وارد شدن به جهان و شبکه رفتاری و معنایی

انسانها و همدردی با ایشان با روشهای غیر مستقیم و بسیار ظریف و اهداف دراز مدت خود که همان صلح و آرامش جامعه است دست می یابد این رویکرد نگاه بسیار جدیدی به پلیس است زیرا دیگر بر نقش و کارکرد دولتی و قانونی پلیس که در آن یک مأمور پلیس صرفاً مسئول جلوگیری از دست اندازی به قوانین و مجازات متخلفان و قانون شکنان است تأکید نمی ورزد بلکه این موقعیت و جایگاه مدنی و انسانی پلیس است که پاسدارای از صلح را به ارمغان می آورد (همان منبع، صص ۳۵-۳۳)، مقوله امنیت و اهمیت اهمیت نقش و کارکرد پلیس در فراهم آوردن زمینه ها و بسترهای عملی و روانی تأمین آن در جامعه، از جمله مباحث عمده در میان محققان و محافل امنیتی و انتظامی بوده و هست و این بخصوص ضرورت بررسی و تحلیل ساز و کارهای درونی پلیس و تعامل آن با دیگر بخشهای نظام سیاسی به جهت ایفای هر چه بهتر رسالت خطیر آن در تأمین امنیت عمومی و امنیت ملی پایدار را می طلبد پلیس و امنیت عمومی، در بحث انتظامی و امنیت عمومی پلیس جهت برقراری نظم و برخورد با متخلفان معمولاً با مردم کشور مواجه می شود و استثنائاً در مواردی هم با دشمن مواجه است. برخورد پلیس غالباً با افراد متخلف و یا آلوده، است به همین دلیل زمانی که نیروی انتظامی در شرایط اضطراری برای ایجاد نظم و امنیت وارد عمل میگردد خیلی باید با احتیاط عمل نمود، چرا که نیروهای نظامی با تاکتیک مقابله با دشمن آشنا هستند و بر همین اساس برای مواجهه با دشمن تربیت شده است. آموزش نیروهای نظامی برای مقابله و برخورد و جنگ با دشمن در حالی که نیروی انتظامی برای مقابله با افراد منحرف و یا ناآگاه تربیت شده است. به همین دلیل وقتی فردی از نیروی نظامی به نیروی انتظامی منتقل می شود لازم است آموزشهای لازم را طی کند چرا که او قبلاً همواره به فکر نحوه مقابله با دشمن بوده، حال آنکه اینجا باید با هموطنی مواجهه شود که به گونه دیگری می اندیشد و یا منحرف و فاسد است. نیروی نظامی میخواهد دشمن را برای همیشه براند، ولی نیروی انتظامی می خواهد فرد منحرف را پس از اصلاح به جامعه برگرداند (اصغری، ۱۳۹۹، ۱۷)

نتیجه گیری :

با وجود نسبی بودن امنیت و حاکم بودن شرایط و ملاحظات گوناگون امنیتی در نزد افراد و دولت - ملت های مختلف این اصل قطعیت یافته است که امنیت را دیگر نمی توان تنها در سطح رسمی و دولتی و براساس ملاحظات تنگ نظرانه و سخت افزاری تعریف نمود. البته میزان عدول از این برداشتهای رسمی و تنگ نظرانه در جوامع گوناگون متفاوت می باشد ولی کمتر کسی پیدا خواهد شد که بتواند همچنان بر معیارهای کلاسیک و قدیمی در زمینه امنیت پافشاری نماید. بسط مفهومی و مصداقی امنیت یک نتیجه کلی را به همراه داشته است و آن اینکه به سرعت ترکیب «امنیت ملی برای تمامی کشورها به سمت در برگیری سایر ابعاد امنیت (علاوه بر بعد نظامی حرکت می کند توجه به این نکته ضروری است که جست و جوی امنیت از مهمترین نیازها و انگیزه های انسانی است. مهم ترین نیاز هر جامعه خواه یک طبقه یا قبیله و خواه یک قوم یا کشور برقراری امنیت آن جامعه و افراد آن است که مسئولیت تعقیب و تأمین آن به عهده حکومت ها و دولت هاست. امروز دولت ها به صورت مهمترین واحد سیاسی در صحنه روابط داخلی و خارجی در آمده اند و مهم ترین هدف آنها تلاش برای برقراری امنیت همه جانبه و گسترش دامنه آن است. از طرفی مردم نیز در رابطه با برقراری امنیت فیزیکی همراه با رفاه اقتصادی و هویت اجتماعی خود بیشترین انتظار را از نهادهای سیاسی جامعه دارند. با توجه به مباحث مطرح شده به نظر میرسد بتوان ویژگی های نیروهای انتظامی و امنیتی در افق چشم انداز ۱۴۰۴ ج.ا.ایران را به شکل ذیل خلاصه نمود: در سایه تحقق اهداف چشم انداز ۱۴۰۴ ج.ا.ایران اقتدار نهادهای مسئول امنیت داخلی از مردم ناشی می شود و پلیس سازمانی است از مردم با مردم و برای مردم برقراری نظم و امنیت عمومی، با رعایت حقوق و آزادی های فردی و ایجاد تعادل و توازن بین این دو مقوله انجام خواهد پذیرفت نیروهای پلیس با برخورداری از آموزش های تخصصی و هوش و درایت، کافی توانایی حل این تعارض را دارند سازمانهای امنیتی انتظامی متناسب با تحولات اجتماعی به طور مستمر سیاستها و خط مشی های خود را بررسی و تجدید نظر کنند. پلیس تعدد و تکثر آرا و عقاید را به رسمیت می شناسد و آن را موجب تقویت امنیت به معنای واقعی کلمه می داند حیات و استمرار

فعالیت دستگاه‌های امنیتی و انتظامی، اخبار منوط به رضایت مردم خواهد بود مردم به توانایی پلیس تا حدود زیادی اطمینان داشته و نیاز مربوط به جرایم ارتكابی و حتی موارد مشکوک را در اسرع وقت به پلیس اطلاع خواهند داد. وظایف و اختیارات هر یک از نهادهای مسئول در چارچوب راهبرد امنیتی کشور، تعیین و تبیین شده و هر بخش وظایف خود را به نحو مطلوب انجام می‌دهد. پلیس خود را ملزم به رعایت حقوق و آزادی‌های افراد محروم از آزادی و محکومان دانسته و پدیده‌های ناامنی را به عنوان یک واقعیت اجتماعی می‌پذیرد و نسبت به بررسی علل و عوامل آن و ارائه راهکارهای لازم اهتمام می‌ورزد در این افق تأکید بر پیشگیری است و توسل به سخت افزارهای امنیتی و ابزارهای کیفری یک امر استثنایی است که با رعایت قوانین و مقررات امکان پذیر است نهادهای امنیتی انتظامی تدابیر متعددی را برای حمایت از بزه دیدگان و افراد در معرض خطر اتخاذ و به مرحله اجرا در می‌آورند. سیاست گذاری‌ها و برنامه ریزی‌ها مبتنی بر پژوهش و داده‌های حاصله از مطالعات و تجربیات امنیتی انتظامی است و بدون تحقیق تصمیم‌گیری نخواهد شد. جامعه و پلیس از رفتارهای نابه‌نجار و ضد ارزش و جرم بودن برخی اعمال برداشت نزدیکی دارند پلیس از طریق ایجاد ارتباط نزدیک و قانونمند با وسایل ارتباط جمعی از این رسانه‌ها برای اطلاع‌رسانی آموزش‌های امنیتی به مردم بهره می‌گیرد امکانات پلیس متناسب با گسترش حوزه فعالیت آن افزایش یافته و با ایجاد واحدهای تخصصی به کلیه پرونده‌ها با سرعت و دقت رسیدگی می‌شود. در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ تأکید بر ارتباط عمیق و عاطفی با جامعه و پیروی از الگوهای مدنی و کشوری است پلیس خود را در قبال نیازهای امنیتی و اجتماعی شهروندان مسئول می‌داند و خدمات متعددی را در این زمینه ارائه می‌کند. شهروندان و کلیه سازمانهای، سیاسی، اجتماعی اقتصادی فرهنگی و مذهبی خود را در تأمین امنیت جامعه سهیم، شریک و مسئول می‌دانند. پذیرش مداخله به دعوت یا رضایت به عنوان استثنایی بر اصل منع مداخله در رویه عرف بین‌المللی رعایت شرایط لازم در دفاع مشروع احتمال استفاده نادرست از دفاع پیشدستانه کم خواهد شد؛ رهنامه برخی حقوق دان‌های بین‌المللی مبنی بر پذیرش حق دفاع پیشدستانه در صورتی که قرائن قطعی مبنی بر قریب الوقوع بودن تجاوز وجود داشته باشد. عنوان دفاع مشروع خارج از مرز در نگاه اول نامأنوس و غیر همگون می‌نماید؛ مشروعیت «عنوانی محدود کننده با قواعد خاص خود است در حالی که «خارج از مرز بودن سنخیتی با دفاع در ظاهر ندارد چرا که عنوان مدافع، به کسی که درون مرزها یا حداکثر در نقطه صفر مرزی قرار گرفته صدق می‌کند و فراتر از آن بیشتر به تجاوز و تهاجم شباهت دارد تا دفاع قاعده اولیه در دفاع نیز با توجه به شرایط دفاع در حقوق اسلام و حقوق بین‌الملل (مانند اصل وقوع تجاوز تناسب دفاع با تهاجم ضرورت داشتن دفاع، اصل منع توسل به زور و رعایت اصول حقوق بشر دوستانه مؤید اصل محدود بودن دفاع مشروع است. بنابراین نمی‌توان در حالت عادی دفاع را به خارج از مرزهای کشور تسری داد، چرا که در این صورت بسیاری از اصول دفاع مشروع نقض خواهد شد. دفاع مشروع منحصر به داخل مرزهای یک کشور نمی‌شود. این استثنای هم دفاع از خود و هم دفاع از دیگران را در بر می‌گیرد. گستره دفاع از دیگران در حقوق اسلامی وسیع‌تر از حقوق بین‌الملل است مواردی نقطه از چون دفاع از کیان اسلامی سرزمین‌های اسلامی دفاع از مسلمانان

در هر : جهان دفاع از هم پیمانان دولت اسلامی دفاع مشروع جمعی حمایت از مظلومین با مداخله نظامی بشر دوستانه در حقوق اسلامی و دو عنوان دفاع مشروع جمعی و مداخله به دعوت یا رضایت کشور مورد تهاجم در حقوق بین الملل با یکدیگر مشترک بوده و تنها دخالت از سوی شورای امنیت سازمان ملل، «نقطه تمایز آن دو است.

منابع و ماخذ:

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
الف. کتب
۳. آقاباقری، محمد جواد (۱۳۹۳)، دفاع پیشدستانه؛ بررسی فقهی حقوقی شیوه های آن، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۴. انصاری لری، محمدابراهیم، (۱۳۹۹) نظارت بر جرائم نظامیان در حقوق ایران، انتشارات سروش، چاپ اول، تهران.
۵. اصغری، سید محمد، (۱۳۹۹) ، بررسی تطبیقی جرم سیاسی و جرائم امنیتی، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، تهران.
۶. خانی، عبدالله، (۱۳۹۹) ، نظریه های امنیت، چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
۷. خدوری، مجید، (۱۳۹۱) ، جنگ و صلح در قانون، اسلام ترجمه سید غلامرضا سعیدی، قم، کلبه شروق.
۸. رنجبر، مقصود، (۱۳۹۸) ، ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۹. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۹۱) حقوق بین الملل عمومی تهران گنج دانش
۱۰. عاملی، سید جعفر مرتضی، (۱۳۹۴) ، تاکتیکهای جنگی دفاع از مرزهای اسلامی، ترجمه حسن مجیدی و مطهره حسن بیگی، قم، نشر معارف.
۱۱. عباس، تدین، (۱۳۹۰) ، نگاهی به جرایم و مجازات های نیروهای مسلح ایران و فرانسه. تهران: خرسندی.
۱۲. عسگری، غلامحسین، (۱۳۹۰) ، دادرسی های اختصاصی کیفری. تهران: خرسندی.

۱۳. موسوی خمینی (ره). سیدروح الله (۱۴۲۵) (تحریر الوسيله ترجمه علی، اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).

۱۴. میرمحمدصادقی، حسین، (۱۳۹۱) حقوق کیفری اختصاصی (۱) جرایم علیه اشخاص، تهران، میزان
۱۵. ولیپور، سیدحسین، (۱۳۹۳)، گفتمان های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۱۶. هاشمی، سید محمد امین (۱۳۹۳) بررسی تطبیقی دفاع در اسلام و حقوق بین الملل، قم، نشر.

مقالات و مجلات

۱۷. ابوالحسن شیرازی، حبیب الله، (۱۳۹۶) «جایگاه منابع انرژی در امنیت خلیج فارس و امنیت آمریکا باتوجه به الگوی امنیت مشارکتی»، فصلنامه ی تخصصی علوم سیاسی، دوره چهارم، شماره ۷.

۱۸. اسماعیلی، محسن، (۱۳۹۹) ، «درآمدی بر طرح تدوین ((فقه انتظامی)) امنیت ملی از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی»، مجله ی دانش انتظامی، دوره دوم، شماره ی ۲.

۱۹. افتخاری، اصغر، (۱۳۹۵) ، «امنیت در اسلام»، فصلنام هی علوم سیاسی، دوره اول، شماره ی ۳۴.

۲۰. آقاپور، کمال و نوجوان، داوود، (۱۳۹۰) ، «پیشگیری وضعی و انتظامی از جرم»، ویژه نامه دومین کارگاه علمی - کاربردی مدیریت پیشگیری از وقوع جرم و آسیب های اجتماعی (تبریز).

۲۱. ارگری، نوروزی، (۱۳۹۵) ، «نقش سپاه در حفظ امنیت ملی» مجله دادرسی، تهران، سازمان قضایی نیروهای مسلح ، شماره ۹۸.

۲۲. پوراحمد، احمد (۱۳۹۴)، امکان سنجی احکام جهاد در فراسوی قلمرو ملی مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۹۷، شماره پیاپی ۵۱۶.

۲۳. تاجیک، محمدرضا، (۱۳۹۷) ، «انتظام در پراکندگی، بحثی در امنیت ملی ایران»، فصلنامه ی مطالعات راهبردی، دوره اول، شماره ی ۲.

۲۴. جالینوسی، احمد، (۱۳۹۵) ، «تحولات راهبردی در منطقه ی خلیج فارس، رویکردی سیاسی امنیتی»، فصلنامه ی دانش سیاسی، دوره دوم، شماره ۳.

۲۵. حیدرخانی، صادق، (۱۳۹۲) «اصول و مفاهیم صورتبندی استراتژی سیاست و دکترین دفاعی و استراتژی نظامی»، مجله ی علمی پژوهشی بسیج، دوره اول، شماره ۱.

۲۶. ستوده جهرمی، سروش، (۱۳۹۲) ، تمرد و مقاومت در مقابل اعمال خلاف وظیفه ی مأمورین در قوانین ایران و فرانسه، مجله ی وزارت دادگستری، شماره ی ۴.

۲۷. شریفی طراز کوهی حسین (۱۳۹۱)، منافع ملی حیاتی در پرتو آراء قضایی بین-المللی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی سال چهاردهم شماره ۳۸.
۲۸. شریعتمدار جزائری، سیدنورالدین، (۱۳۹۵) «امنیت در اسلام»، فصلنامه ی علوم سیاسی، دوره اول، شماره، ۳۴.
۲۹. شریعت مدار جزایری، نورالدین، (۱۳۹۹) «امنیت در فقه سیاسی شیعه»، مجله ی علوم سیاسی، دوره اول، شماره ی ۹.
۳۰. صفاری، علی، (۱۳۹۸)، «مبانی نظری پیشگیری وضعی از وقوع جرم نظامی»، مجله تحقیقات حقوقی، تهران، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۴.
۳۱. صفری کاکرودی، عابدین، (۱۳۹۸) مسؤلیت مأمور در اجرای امر آمر قانونی، فصلنامه ی دانش انتظامی، شماره ی ۴.
۳۲. ظریف، محمدجواد، (۱۳۹۱) دفاع مشروع پیشدستانه: مشروعیت کاربرد زور در روابط بین الملل یا نقض مکرر منشور ملل متحد، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی شهرضا، سال چهارم، شماره ۱۲.
۳۳. علینقی، امیرعلی، (۱۳۹۱)، «جایگاه امنیت در استراتژی ملی»، فصلنامه ی مطالعات راهبردی، دوره اول، شماره ی ۱۶.
۳۴. کارگری، نوروزی، (۱۳۹۱)، «نقش سپاه در حفظ امنیت ملی» مجله دادرسی، تهران، سازمان قضایی نیروهای مسلح، شماره ۸۸.
۳۵. لک زایی، شریف، (۱۳۹۵)، «امنیت در اسلام»، فصلنامه ی علوم سیاسی، دورا اول، شماره ی ۳۴.
۳۶. متقی ابراهیم (۱۳۹۵)، اقدامات پیشدستانه و تصاعد مداخله گرایی در استراتژی امنیتی آمریکا، فصلنامه رهیافتهای سیاسی و بین المللی شماره ۸.
۳۷. مصلی نژاد، عباس، (۱۳۹۸)، اروپا و جنگ پیشدستانه فصلنامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران سال سی ونهم، شماره ۹.
۳۸. مورژن، ژاک (۱۳۹۷)، مداخله بین المللی بشر دوستانه ترجمه محمود صور اسرافیل، مجله حقوقی بین المللی سال، پانزدهم شماره ۲۲.
۳۹. ورعی، سید جواد، (۱۳۹۲) مبانی فقهی دفاع از سرزمینهای اسلامی، فصلنامه حکومت اسلامی سال، هشتم، شمار ۲.